



دولت‌سازی در اندیشه شهید مزاری با رویکرد عدالت اجتماعی



توسلی غرجستانی

پیش‌درآمد

در برههٔ زیست کوتاه سیاسی رهبر شهید استاد مزاری و تحولات سریع منطقه و افغانستان باعث شد که علیرغم زکاوت و تیزبینی رهبر شهید، وی به عنوان یک فرد عملگرا ظاهر شود تا یک ثنوری پرداز، به سخن دیگر، ثنوری رهبر شهید آمیخته و همراه با عملگرایی ایشان محقق می‌شد. از این‌رو رهبر شهید استاد مزاری، همان‌سان که دیگران را تشویق به فراگیری دانش و افزایش آگاهی سیاسی، اجتماعی و تاریخی می‌کرد، در دورهٔ تحصیل بیشترین تلاش را انجام می‌داد تا علاوه بر فراگیری دانش رایج و معمول، به مطالعهٔ آثار سیاسی، تاریخی و روش‌های مبارزاتی مبارزان موفق پردازد. آن‌چه از رهبر شهید برای ما باقی مانده است، دو چیز ارزشمند است:

یک. عملکرد میدانی ایشان از سطح یک طلبهٔ علوم دینی تا حضور مستقیم در جبهه‌های مبارزاتی به عنوان یک سرباز

و تا احیاگر هویت سیاسی مردم خود در قالب بنیانگذاری حزب فراگیر و متشکل از هشت جریان سیاسی به نام «حزب وحدت اسلامی» و برگزیده شدن به عنوان «دبیرکل» این حزب و ایستادگی جانانه برای احقاق حق به تاراج رفتهٔ مردم خود در مقابل حذف و بایکوت مردم توسط برخی از گروه‌های تنگ‌نظر مجاهدین.

دو. آثار صوتی از قبیل سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها. رهبر شهید در این بخش‌ها ایده‌ها و آرمان‌ها و اندیشه‌های خود را بسیار با زبان ساده و همه فهم با مخاطبان خود شریک ساخته است. سخنان و گفته‌های استاد مزاری تفسیر همان عملکرد میدانی ایشان است. وقتی ایشان در مقام سخن به عنوان رهبر یک جریان مقتدر که سه سال به خاطر احقاق و ثبوت حق مردم خود حکومت نوین‌آباد آقای ربانی و هم‌پیمانانش را به چالش کشید، هیچگاه حقوق مردم خود را در عمل معامله نکرد و زمانی که در مقابل مصرف بیت‌المال در مقام سخن

سختگیرانه ابراز نظر می‌کرد در مقام عمل حتی یک هزار افغانی را برای خود یا خانواده خود ذخیر نکرد. یعنی گفتار و کردار رهبر شهید بدون کم‌ترین زاویه منطبق بر یکدیگر بود.

از این رو، رهبر شهید هم در مقام گفتار و سخن و هم در مقام عمل و کردار نشانه‌ها و نمایه‌هایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که می‌توان در ماورای آن، اندیشه رهبر شهید را در موضوعات گوناگون رصد و استخراج کرد. درست است که رهبر شهید به صورت تئوریزه شده بحث دولت‌سازی و ملت‌سازی را در آن مقطع تاریخی مثل سایر موضوعات بیان نکرد؛ اما از درون سخنان وی که اینک برای ما و تاریخ به یادگار مانده است، می‌توان مفاهیم جدید و مدرن را واکاوی کرد و با شرح و بسط بیشتر بیرون داد.

پیش از این که «دولت‌سازی» را در اندیشه‌ها و افکار شهید وحدت ملی جست‌وجو کنیم، برخی ویژگی‌هایی بارز دولت‌سازی را در اندیشه‌های نوین امروزی برجسته می‌سازیم و سپس سراغ اندیشه‌های شهید مزاری در این حوزه خواهیم رفت که دولت‌سازی در اندیشه ایشان چه جایگاهی دارد. تبیین مفهوم «دولت‌سازی» به صورت همه فهم نیاز به کار و تلاش بیشتر دارد؛ اما به تناسب موضوع، در نوشته کوتاه کنونی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد شهادت رهبر شهید و درک اجمالی از مفهوم دولت‌سازی اشاره گذرا به مفهوم «دولت‌سازی» و پیش‌نیاز آن خواهد شد.

برای درک درست از مفهوم دولت‌سازی نخست لازم است انواع دولت‌ها از جمله دولت مدرن، دولت تمدنی، دولت ناکام، دولت ورشکسته، دولت شکننده و ویژگی‌هایی برخی از آن‌ها به صورت گذرا تبیین گردد تا به درک درست از واژه «دولت‌سازی» در اندیشه شهید مزاری برسیم.

انواع دولت‌ها

در باب حکومت و دولت، اندیشمندان انواع دولت‌ها و حکومت‌ها را چنین دسته‌بندی کرده‌اند:

۱. دولت مدرن،
۲. دولت تمدنی،
۳. دولت ممتنع،
۴. دولت ناکام یا ورشکسته،

۵. دولت شکننده،

۶. دولت فروپاشیده،

۷. دولت بحرانی.

هر کدام از عناوین واحدهای سیاسی فوق ویژگی‌هایی خود را دارد که تبیین آن‌ها در این جا از حوصله این نوشته خارج است. از این رو در نوشته مختصر کنونی تنها به بیان برخی «شاخصه‌ها و معیارهای دولت‌های ناکام و مدرن» به صورت گزاره‌های کوتاه اشاره می‌گردد.

دولت ناکام

یکی از انواع دولت‌ها و واحدهای سیاسی دولت ناکام است.

ویژگی‌های دولت‌های ناکام را می‌توان چنین برشمرد:

۱. کم بود یا نبود توانایی جهت تأمین امنیت شهروندان،

۲. ناتوانی دولت مرکزی بر اعمال حق حاکمیت،

۳. عدم حق انحصاری بر اعمال حاکمیت،

محدودیت مشروعیت.

به سخن دیگر، مهم‌ترین شاخصه‌های که در دولت ناکام وجود

دارند عبارت‌اند از:

۱. اختلاف گسترده قومی،

۲. اختلاف مذهبی،

۳. اختلاف اقتصادی،

۴. اختلاف اجتماعی،

۵. اختلاف منطقه‌ای،

۶. فقدان حس هویت ملی واحد،

۷. فقدان پیوند میان ساختار قدرت سیاسی و ساختار

اجتماعی.

درجه‌بندی شاخصه‌های دولت ناکام

برای این که از دایره دولت ناکام فاصله گرفته شود، شناخت و درجه‌بندی این نوع دولت‌ها ضروری است که می‌توان آن را چنین خلاصه کرد:

الف. میزان شدت اختلاف و شقاق در هویت ملی،

ب. میزان کارآمدی دولت مرکزی.

در نتیجه دولت. ملت‌سازی یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای ایجاد ثبات در این کشورها محسوب می‌شود. البته لازم نیست تمام این شاخصه‌ها در یک دولت وجود داشته باشند تا دولت ناکام

صدق کند بلکه شماری از آنها نیز می‌توانند هستی بخش دولت ناکام باشند.

دولت مدرن

چیستی دولت مدرن به گونه‌های مختلف بیان شده است؛ اما مهم‌ترین چیستی آن در فرهنگ آکسفورد چنین تبیین شده است: «دولت مدرن یک اجتماع سازمان یافته سیاسی است که دارای یک دولت، یک رفاه عمومی و یک ملت است.»

ویژگی‌های دولت مدرن را چنین بر شمرده است:

۱. دارای نظم قانونی و اجرایی است،
۲. تغییرات از طریق قانون‌گذاری کارآمد اعمال می‌شود،
۳. از طریق نظم قانونی فعالیت‌های کارکنان اداری سازمان‌دهی و جهت‌دهی می‌شود،
۴. این سیستم نظم، خواهان یک اقتدار انسجام‌بخش بر روی تمامی اعضای جامعه است،
۵. یک سازمان سیاسی با قلمرو سرزمینی مشخص است،
۶. استفاده از نیروی فیزیکی تنها به دولت اختصاص دارد،
۷. استفاده انحصاری از قدرت از ویژگی‌هایی بنیادی و ضروری آن است.

به عبارت دیگر مهم‌ترین شاخصه‌های دولت مدرن عبارت‌اند از:

۱. حاکمیت،
۲. قانونمندی،
۳. بوروکراسی،
۴. شهروندی،
۵. مالیات ستانی،
۶. ملت‌سازی،
۷. اقتدار و مشروعیت،
۸. استفاده از قدرت غیرشخصی،
۹. قلمرو سرزمینی معین،

”

از دید ایشان در حکومت‌های گذشته و زمان ایشان شاخصه‌های حکومت ناکام، ورشکسته و شکننده از قبیل اختلاف قومی، مذهبی، اقتصادی، طبقاتی، منطقه‌ای و سمتی، فقدان حس هویت ملی واحد و فقدان پیوند میان ساختار قدرت سیاسی و ساختار اجتماعی به شدت و ضعف وجود داشت.

“

۱۰. کنترل انحصاری ابزارهای خشونت.

قدرت انحصاری و اعمال مشروع آن در چارچوب قانون یکی از

خصوصیات بنیادی و ضروری دولت مدرن است و تا زمانی‌که قدرت و اعمال قدرت در چارچوب خاص تعریف نشده و اعمال نگردد، دولت مدرن محقق نمی‌شود و دولت‌سازی نیز اتفاق نخواهد افتاد.

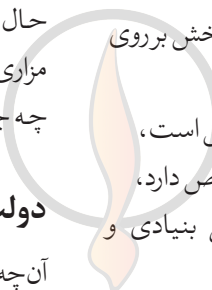
باتوجه به توضیحات پیشین، مفهوم «دولت‌سازی» نه نفی بنیادی دولت‌ها و حکومت‌های گذشته است و نه ایجاد یک دولت جدید گسسته از گذشته، بلکه

مفهوم دولت‌سازی، رسیدن از دولت‌های «ناکام، ورشکسته و شکننده» به «دولت مدرن» است که در آن شاخصه‌هایی هفتگانه یا دهگانه که در توضیح شاخصه‌های «دولت مدرن» مطرح شد، است.

حال باتوجه به آن چه بیان شد، باید سراغ اندیشه‌های شهید مزاری برویم که این مفاهیم و مقولات از نگاه ایشان در افغانستان چه جایگاه و پایگاهی دارد.

دولت‌سازی در اندیشه‌های شهید مزاری

آن چه مسلم این است که شهید مزاری حکومت‌های گذشته و حکومت مجاهدین را که پس از سقوط حکومت داکتر نجیب قدرت را به دست گرفت، حکومت‌های ناکام، ورشکسته و شکننده می‌دانست. از دید ایشان در حکومت‌های گذشته و زمان ایشان شاخصه‌های حکومت ناکام، ورشکسته و شکننده از قبیل اختلاف قومی، مذهبی، اقتصادی، طبقاتی، منطقه‌ای و سمتی، فقدان حس هویت ملی واحد و فقدان پیوند میان ساختار قدرت سیاسی و ساختار اجتماعی به شدت و ضعف وجود داشت و از این رو ایشان مکرراً به این مسائل اشاره می‌کرد و راه‌حل بنیادی برای رسیدن به یک دولت و حکومت قابل قبول برای تمام اقشار جامعه که در آن هر کتله



تاسیس ۱۳۹۴

اجتماعی به صورت برابری حقوق و امتیازات شهروندی خود برسند، ارائه می‌داد.

کلید واژه‌های دولت‌سازی بر بنیاد عدالت اجتماعی در سخنان شهید مزاری

یکی از مسائل و موضوعات بنیادی که رهبر شهید روی آن بسیار تکیه می‌کرد و در واقع این موضوع خمیرمایه دولت‌سازی و حرکت به سمت دولت مدرن را تشکیل می‌دهد، عدالت اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن بود. بخشی از کلید واژه‌های سخنان ایشان به خصوص در سه سال مقاومت غرب کابل بر محور عدالت اجتماعی، اصلاحات اساسی، انتخابات، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی برابر و حقوق زن‌ها و اقلیت‌ها می‌چرخید. مهم‌ترین کلید واژه‌های مرتبط با دولت‌های ناکام برای رسیدن به دولت مدرن - که مفهوم دولت‌سازی است - در سخنان شهید مزاری عبارت‌اند از:

۱. عدالت اجتماعی،
 ۲. عدم وجود حاکمیت ملی و مشروع،
 ۳. احترام به حق تعیین سرنوشت،
 ۴. احترام به شعور سیاسی مردم،
 ۵. احترام به آزادی عقیده و مذهب،
 ۶. احترام به حق عمومی تمام ملیت‌ها،
 ۷. آزادی، برادری و برابری همه شهروندان،
 ۸. انتخابات عمومی،
 ۹. تعدیل واحدهای اداری،
 ۱۰. رعایت حقوق زنان،
 ۱۱. رعایت حقوق اقلیت‌ها،
 ۱۲. احترام متقابل،
 ۱۳. دسترسی برابر به امکانات اقتصادی، سیاسی و اداری.
- از این رو شهید مزاری در موارد مختلف روی تحقق عملی مفهوم «عدالت اجتماعی» در افغانستان تأکید می‌کرد. واژه‌های کلیدی «حق تعیین سرنوشت»، «شعور سیاسی مردم»، «حق گرفتن»، «تثبیت حقوق همه ملیت‌ها»، «دسترسی به مناصب براساس نفوس»، «رعایت حقوق ملیت‌های محروم»، «آزادی و حقوق برابر برای همه»، «به رسمیت شناخته شدن مذاهب

و اعتقادات مردم»، «برادری و برابری ملیت‌ها»، «برادری نه دشمنی»، «تحقق عدالت اجتماعی از طریق انتخابات عمومی»، «تعدیل واحدهای اداری»، «رعایت حقوق زنان» و «دفاع از حقوق ملیت‌ها» در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و طرح‌های استاد شهید مزاری و حزب وحدت اسلامی افغانستان که ایشان دبیرکل آن بود، به ویژه در کتاب احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید، بابه مزاری، ۱۳۹۳) و فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، ۱۳۹۶) به وفور می‌توان یافت. برخی از مصادیق که در سخنان رهبر شهید به صراحت و به طور مصداقی مشخص شده عبارت‌اند از:

چنین می‌گوید:
«ما عاشق قیافه هیچ کسی نیستیم؛ حقوق ملت خود را می‌خواهیم. هرکس این حقوق را برای ملت ما قائل شود، ما دست او را می‌فشاریم» (احیای هویت، ۱۳۹۳، ۱۰۶).

شهید وحدت ملی برادری و برابری شهروندان افغانستان را یک اصل دانسته و آن را گم‌شده مردم افغانستان معرفی کرده چنین می‌گوید:

«... با ملیت تاجیک برادر هستم، با ملیت پشتون برادر هستم. شما همراهی که بروید تا بین ملیت‌ها دشمنی نباشد، برادری باشد؛ ما از این مسئله استقبال می‌کنیم.» (همان، ۱۲۷).

وی ضمن برشمردن چالش‌های تاریخی مردم افغانستان از لحاظ نداشتن یک حکومت ملی، نسبت به تحقق عدالت اجتماعی و حرکت به سمت دولت‌سازی و ایجاد یک دولت نسبتاً مدرن مبتنی بر عدالت اجتماعی چنین می‌گوید:
«من معتقدم در این‌جا در طول تاریخ گذشته افغانستان، حکومت ملی و اسلامی به وجود نیامده؛... اگر ما در این‌جا بیایم یک حکومت اسلامی که مردم ما می‌خواهند، به وجود آوریم که در آن، حق همه ملیت‌ها تعیین شده باشد، این باور باور درستی می‌باشد. این‌جا برای شما واضح می‌گویم که در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها یعنی برادری ملیت‌ها.» (همان، ۱۴۶).

رهبران، تا حالا نتوانسته باشند یکبار اعتراف کنند که نصف این جامعه رازن‌ها تشکیل می‌دهند و حق دارند که در تعیین حق سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند؛ در طرح حزب وحدت این مسئله رعایت شده است.» (همان، ۱۹۵).

در این فراز نیز رهبری شهید هم‌زمان برخی ویژگی‌هایی دولت مدرن و دولت ناکام یا شکننده را بیان کرده است.

در فراز دیگر رهبر شهید چنین می‌گوید:

«همان طوری که در مقدمه صحبت‌هایم توضیح دادم، مبنای سیاست حزب وحدت این است که همه مردم و اقوام مختلف افغانستان، در جهاد و آزادی این کشور سهم داشته‌اند؛ باید در تصمیم‌گیری‌های آینده‌اش هم شریک باشند. حزب وحدت مصمم است که از حقوق ملیت‌های ساکن در افغانستان و همه اقشار مردم اعم از زن و مرد در سیاست آینده کشور دفاع کند... و می‌خواهد که در این‌جا حق هیچ ملیتی، هیچ حزبی، هیچ قومی و نژادی ضایع نشود و در حق کسی ظلم صورت نگیرد.» (همان، ۱۹۷).

این سخنان و به ویژه بخش اخیر سخن رهبر شهید نشان‌دهنده نگاه ژرف به مسئله حکومت، مردم، برابری قومی، نژادی و حزبی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان ستون‌های ارزشی و بنیادی یک حکومت ملی و مدرن که بر قواعد و شاخصه‌های عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایجاد زمینه دسترسی برابر و متوازن شهروندان به امکانات و فرصت‌های برابر و همگانی را طبق معیارهای قانونی و در چهارچوب تعریف شده، نام برد که دقیقاً مفهوم دولت‌سازی امروزی است.

شهید مزاری با درک عدم عدالت و برابری نسبت به واحدهای اداری در گذشته و ظالمانه خواندن آن نسبت به بخشی از جامعه، با ارائه راهکار مشخص در این زمینه چنین اظهار می‌دارد:

«همه می‌دانیم که در گذشته، واحدهای اداری افغانستان عادلانه نبوده‌اند. اولاً امروز در سطح بین‌المللی مسئله نفوس معیار و اصل پذیرفته شده است که تمام برنامه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی... بر مبنای آن صورت می‌گیرد... مسئله دیگر، واحدهای اداری است؛ طبق همین سروری ناقصی که (در سال ۱۳۵۱) صورت گرفته است، یک واحد اداری رازسه هزار گرفته تا صد و شصت هزار نفر تشکیل کرده‌اند؛ به این

مبنا اگر بنا باشد که انتخابات دایر شود، نتیجه‌اش این می‌شود که از سه هزار نفر هم یک نماینده بیاید و از صد و شصت هزار نفر هم یک نماینده! شما می‌بینید که در این معیار از نگاه عدالت اجتماعی و در عرف سیاسی، حتی در قرن هفدهم مورد قبول واقع نمی‌شد، چه رسد به امروز که قرن بیست است.» (همان، ۱۹۰-۱۹۱).

در این‌جا دیده می‌شود که شهید مزاری موضوعاتی را مطرح کرده است که برخی ویژگی‌های دولت ناکام است و برخی دیگر هم ویژگی‌های دولت مدرن و این‌گونه به نحوی به

راه‌حل دولت‌سازی نیز اشاره کرده است. استاد مزاری به عنوان یک رهبر و یک سیاست‌مدار معتدل و روشن‌اندیش در زمینه حقوق زنان در آینده اجتماع، سیاست و اقتصاد چنین ابراز نظر می‌کند:

«مسئله دیگر که در این طرح (طرح حزب وحدت در مورد انتخابات) گنجانیده شده است؛ رعایت حقوق همه مردم اعم از زن و مرد و پیرو جوان است. شاید بسیاری از تنظیم‌ها و

”

یکی از مسائل و موضوعات بنیادی که رهبر شهید روی آن بسیار تکیه می‌کرد و در واقع این موضوع خمیرمایه دولت‌سازی و حرکت به سمت دولت مدرن را تشکیل می‌دهد، عدالت اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن بود.

“

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴